

پیامدهای طلاق برای فرد مطلقه: یک مطالعه کیفی

The Consequences of Divorce for the Divorced Person: A Qualitative Study

Dr. Mojgan Hayati *

Assistant Professor at Payam Noor University

mozghan.hayati@yahoo.com

Shahla Soleimani

Master of Science in Payame Noor University of Iran.

دکترمژگان حیاتی (نویسنده مسئول)

استاد یار گروه مشاوره دانشگاه پیام نور

شهلا سلیمانی

کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور ایران

Abstract

In recent years, due to the increase in divorce statistics in the country, the regard to consequences of this phenomenon have been extended to those who have experienced it. Therefore, the purpose of this study is qualitative study of divorce consequences for divorced people. This study is a phenomenological qualitative study in which 20 participants (8 males and 12 females) were selected using purposive sampling. Deep and exploratory interviewing method was used to collect data and this process continued to saturation stage. The consequences of divorce include 12 sub-themes, which are classified in three main themes: 1. social and cultural consequences; 2. economic and financial consequences; 3. personal and emotional outcomes. The results of this study have many achievement for counseling centers and divorce professionals. Understanding the Divorce Experience As described in this study, it can help couples and experts involved in this phenomenon to make decisions and interventions based on culture and sexuality.

Key words: divorce, divorce consequences, phenomenology

چکیده

در سال‌های اخیر با توجه به افزایش آمارهای طلاق در کشور توجه به پیامدهای این پدیده برای افرادی که آن را تجربه کرده‌اند گسترش یافته است. از این رو هدف پژوهش حاضر مطالعه کیفی پیامدهای طلاق برای افراد مطلقه است. پژوهش حاضر یک مطالعه کیفی از نوع پدیدارشناسی است که در آن ۲۰ شرکت‌کننده (۸ مرد و ۱۲ زن) به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از روش مصاحبه عمیق و اکتشافی استفاده شد و این روند تا مرحله اشباع داده‌ها ادامه داشت. پیامدهای طلاق شامل ۱۲ زیر مضمون بوده است که در سه مضمون اصلی ۱- پیامدهای اجتماعی و فرهنگی ۲- پیامدهای اقتصادی و مالی ۳- پیامدهای شخصی و هیجانی طبقه‌بندی شده است. نتایج این مطالعه دستاوردهای فراوانی برای مراکز مشاوره و متخصصان حوزه طلاق در بردارد. فهم تجربه پیامدهای طلاق برای افراد مطلقه، آن‌گونه که در این مطالعه آمده است، می‌تواند به زوجین و متخصصین درگیر در این حوزه برای تصمیم‌گیری و مداخلات مبتنی بر فرهنگ و جنسیت کمک کند.

واژه‌های کلیدی: طلاق، پیامدهای طلاق،

پدیدارشناسی

مقدمه

در سال‌های اخیر با گسترش آمار طلاق در کشور اهمیت پژوهش در مورد این پدیده را بیشتر کرده است. گاتمن^۱ (۲۰۱۳) پژوهشگر خانواده و ازدواج عقیده دارد که طلاق پیامدهای منفی فراوانی از قبیل خطر فزاینده آسیب روانی، میزان تصادف‌های اتومبیل منجر مرگ، شیوع فزاینده بیماری جسمی، خودکشی، خشونت، قتل برای زوجین و خطر افسردگی و خودکشی، انزوا و شایستگی پایین، مشکلات تندرستی و عملکرد تحصیلی پائین برای فرزندان دارد. طلاق سلامت روانی و فیزیکی زنان، مردان و فرزندان آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد (آماتو^۲، ۲۰۱۴). بخشی از تحقیقات طلاق به پیامدهای طلاق برای زنان، مردان و کودکان پرداخته‌اند. برای نمونه کلاوتری، روشن‌فکر و جواهری (۱۳۹۰ الف) با مرور نظام‌مند سه دهه تحقیقات طلاق در کشور به این نتیجه رسیدند که طلاق دارای پیامدهای روان‌شناختی، اجتماعی و اقتصادی فراوانی است که نه تنها موجب آسیب به سرمایه انسانی و اقتصادی جامعه می‌شود بلکه در تحلیلی حساس به جنسیت می‌تواند مانع نقش‌آفرینی زنان و به حاشیه راندن و استثمار آن‌ها می‌شود. تحقیقی دیگر بر روی زنان مطلقه پیامدهای این پدیده در سه سطح خرد (احساس ضرر و شکست مالی و روانی، تنهایی و ...)، میانی (نگرانی از آینده فرزندان، تعارض با خانواده و ...) و کلان (مشکلات مالی و اقتصادی، انگ خوردن و ...) تقسیم‌بندی کرده است (حسنی، قدرتی و امید پور، ۱۳۹۳). یافته‌های پژوهش دیگر نشان داد زنان مطلقه در مقایسه با مردان مطلقه شرایط حادث‌تر اجتماعی را در زمان طلاق تجربه می‌کنند. بدین معنی که آن‌ها با احساس طردشده، سردی و سرزنش بیشتری از سوی اطرافیان نزدیک روبرو هستند، درنهایت این تحقیق نشان داد که پیامدهای طلاق از نظر اقتصادی اجتماعی، روانی و عاطفی بین زنان مطلقه مقیم ایران در هر یک از سه مرحله (قبل، حین و بعد) از طلاق نامطلوب‌تر از مردان ایرانی است (سیف، ۱۳۸۳). نتایج تحقیقات نشان داده است که افراد مطلقه دارای میزان بهزیستی پایین، نشانه‌های درماندگی و خودپنداری ضعیف‌تر هستند. به طوری که کلیه ابعاد کیفیت زندگی (سلامت فیزیکی، روان‌شناختی و روابط اجتماعی و محیطی) زنان مطلقه به صورت معناداری کمتر از زنان غیر مطلقه است (حفاریان، آقایی، کجباف و کامکار، ۱۳۸۸). مشکلات عاطفی در آغاز برای مردان شدیدتر به نظر می‌رسد؛

^۱.Gottman

^۲.Amato

اما برای زنان استمرار بیشتری دارد؛ درحالی‌که هردوی آن‌ها در سال اول پس از طلاق؛ عزت‌نفس پایین؛ سردرگمی نقش؛ خشم؛ اضطراب؛ تردید و افسردگی را تجربه می‌نمایند و زنان دو برابر بیشتر از مردان احتمال دارد که دچار افسردگی شوند (مک‌نایت^۱، ۲۰۰۹). برک^۲ (۲۰۰۰) معتقد است افرادی که طلاق را تجربه کرده‌اند، با کشمکش‌های متعدد فردی و بین فردی مواجه‌اند. در این فرایند، هویت آشفته، فقدان امید، تغییر در سبک زندگی و مشکلات جدی در روابط اجتماعی و شغلی از پیامدهای طلاق هستند (به نقل از سیف، ۱۳۸۳). پژوهش‌های کمتری تاکنون به بررسی تجربه طلاق در فرد مطلقه و بررسی علل و پیامدهای آن از دیدگاه فردی که طلاق را تجربه کرده‌اند پرداخته شده است. درحالی‌که تجربه جدایی و طلاق در زوجین اغلب دارای معانی مختلف مربوط به واقعیت‌های قبل، حین و بعدازآن است. گومز-دیاز^۳ (۲۰۱۱) در مصاحبه عمیق با زنان مطلقه به این نتیجه رسید که آن‌ها احساسات و عواطف تجربه‌شده خود را مانند یک داستان دردناک بازگو می‌کنند. آبد^۴ (۲۰۱۵) در بررسی تجربه زیسته زنان روستایی اتیوپی از طلاق نشان داد برخی از داستان‌های زنان مصاحبه، نشان از طرد اجتماعی است. بسیاری از مشارکت‌کنندگان به دلیل طلاق تحت درمان قرارگرفته‌اند. آن‌ها بعد از طلاق از نظر اجتماعی دوستان متأهل خود را از دست داده‌اند و احساس شرم می‌کردند که ازدواجشان بادوام نبوده و خیلی وحشت‌زده به ایجاد ارتباط با دوستان قدیمی می‌پرداختند. در یک پژوهش داخلی به شکل کیفی با عنوان درک تجربه پس از طلاق در زنان با پژوهشی کیفی به این نتیجه رسیده‌اند که زنان مطلقه در جامعه با چالش‌هایی مواجه می‌شوند و از مهم‌ترین دغدغه‌های کشف‌شده میان زنان مشارکت‌کننده شامل تبعیض جنسیتی به دنبال تغییر وضعیت تأهل، ناپذیرا بودن و به حاشیه رانده شدن زن به دنبال طلاق است (زارعی، مرقان خویی، تقدیسی و مصلحی، ۱۳۹۲). از تحقیقات کیفی گذشته در مورد تجربه طلاق (زارعی و همکاران، ۱۳۹۲؛ محمد پور، ۱۳۹۳؛ فسایی و ایثاری، ۱۳۹۱؛ الحسینی، ۱۳۹۰؛ عنایت زاده، ۱۳۸۸؛ آبد، ۲۰۱۵؛ گومز-دیاز، ۲۰۱۱؛ شارما^۵، ۲۰۱۱) می‌توان استنباط کرد که تجربه زیسته فرد از پدیده طلاق دارای اهمیت است.

¹. Mcknight

². Berk

³. Gómez-Díaz

⁴. Abed

⁵. Sharma

تجربه طلاق تحت تأثیر جنسیت است به این شکل که زنان تجربیات جنسیتی بیشتری بعد از طلاق دارند همچنین تجربه طلاق تحت تأثیر بستر اجتماعی و فرهنگی شخص مطلقه قرار دارد. یکی از مشکلات تحقیقات گذشته این است که اکثر تحقیقات داخلی گذشته به شکل کمی به بررسی پیامدهای طلاق پرداخته‌اند و کمتر به بررسی کیفی و عمیق تجربه طلاق در افراد مطلقه پرداخته شده است. در پژوهشی با عنوان مرور سه دهه پژوهش‌های طلاق اشاره کرده‌اند که تنها ۷/۳ درصد تحقیقات گذشته در مورد علل طلاق به شکل کیفی صورت گرفته است و تنها ۱/۱ درصد از روش‌های جمع‌آوری اطلاعات در تحقیقات گذشته به وسیله مصاحبه بوده است (کلانتری، روشن فکرو جواهری، ۱۳۹۰ ب). همچنین اکثر تحقیقات کیفی گذشته به تجربه زنان از پیامدهای طلاق پرداخته‌اند و مشارکت‌کنندگان آن‌ها اکثراً زن بوده‌اند. تحقیق حاضر برای پر کردن شکاف تحقیقات گذشته در پی بررسی پیامدهای طلاق با رویکرد کیفی بوده است و در کنار مشارکت‌کنندگان زن از مشارکت‌کنندگان مرد نیز برای مقایسه عوامل تجربه آنان استفاده کرده است.

از جانی دیگر در پدیده طلاق ملاحظات فرهنگی و اجتماعی وجود دارد چراکه طلاق در فرهنگ‌های گوناگون متفاوت است (موره و شوپل^۱، ۱۹۹۳)؛ بنابراین به دلیل بافت نگر بودن تحقیقات کیفی (کرسل^۲، ۲۰۱۳) تحقیق حاضر تلاش کرده است تا با رویکرد کیفی و مطالعه عمیق پدیده از دیدگاه خود افراد مطلقه به بررسی پیامدهای طلاق در افراد مطلقه بپردازد؛ در نهایت با توجه به رشد آمارهای طلاق در کشور، شکاف تحقیقات گذشته در بررسی کیفی پیامدهای طلاق بخصوص برای فرد مطلقه و تجربه طلاق در بافت جنسیتی، فرهنگی و اجتماعی برای فرد مطلقه؛ سؤال اصلی این پژوهش بدین گونه است که پیامدهای طلاق از دیدگاه افرادی که این پدیده را تجربه کرده‌اند چیست؟

روش‌شناسی

پژوهش حاضر به روش کیفی و با رویکرد پدیدارشناسی^۳ انجام شد. پدیدارشناسی به صورت ویژه مطالعه تجربه زیسته یا زیست جهان مردم است (ون مانن^۴، ۲۰۱۶). مسئله اصلی

^۱. Moore & Schwebel

^۲. Creswell

^۳. Van Manen

^۴. phenomenology

در کاربرد پدیدارشناسی پاسخ به این سؤال است که آیا پدیده موردنظر نیاز به روشن‌سازی دارد یا خیر؟ مطالعه کیفی پیامدهای طلاق در ازدواج با تمام اهمیتی که دارد هنوز در پژوهش‌های گذشته به اندازه کافی روشن نشده است. از این رو در این پژوهش از روش فوق استفاده شد. محل جغرافیایی زندگی مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر شهر سنندج در استان کردستان در طول سال‌های ۹۲-۹۳ بود. شرکت‌کنندگان در این مطالعه با به‌کارگیری مفهوم نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. معیارهای نمونه‌گیری هدفمند در این پژوهش عبارت بودند از: شرکت‌کنندگان تجربه طلاق را داشته باشند، حداقل یک ماه تجربه زندگی مشترک داشته باشند، شرکت‌کنندگانی که طلاق را تجربه کرده‌اند حداقل سه ماه و حداکثر ده سال از لحظه طلاقشان گذشته باشد، شرکت‌کنندگان دوباره ازدواج نکرده باشند، سن شرکت‌کنندگان کمتر از ۱۵ سال و بالای ۴۹ سال نباشد و شرکت‌کنندگان قادر و مایل به صحبت کردن در مورد تجاربشان از زندگی زناشویی و طلاق باشند. معیار تعیین حجم نمونه در پژوهش حاضر اشباع داده‌ها بوده است. در مطالعه حاضر مصاحبه با ۲۰ شرکت‌کننده (۱۲ زن و ۸ مرد) به شیوه نمونه‌گیری هدفمند، داده‌ها را به اشباع رساند. استراتژی جمع‌آوری داده‌ها استفاده از مصاحبه عمیق و سؤال‌های باز پاسخ همراه با سؤال‌های پیگیرانه برای تشویق مشارکت‌کنندگان برای در اختیار گذاشتن تجارب عمیق بود. بعد از ضبط هر مصاحبه از داده‌های حاصل از مصاحبه، رونوشت برداری توسط محقق انجام شد. بعد از خواندن مجدد نسخه‌ها و انطباق آن با فایل‌ها ضبط‌شده، به‌منظور چک کردن دقت و صحت محتویات نسخه یک کپی از نسخه مربوطه برای هر شرکت‌کننده فرستاده شد و بعد از آن در صورت وجود هر خطا یا از قلم‌افتادگی تصحیح شد. مدت مصاحبه در این پژوهش بین ۹۰-۶۰ دقیقه متغیر بود. زمان و مکان مصاحبه‌ها توسط خود شرکت‌کنندگان به دلخواه تعیین شد. مصاحبه‌ها با یک سری سؤال کلی و باز با این مضمون که بعد از طلاق چه چیزی را تجربه کردید؟ طلاق برای شما چگونه تجربه شد؟ این تجربه خود را چگونه توصیف می‌کنید؟ شروع شد و در ادامه برای کشف عمیق پدیده از سؤالات پیگیرانه مانند می‌توانید در این باره بیشتر توضیح دهید؟ استفاده شد. مسائل اخلاقی رعایت شده در این پژوهش شامل: کسب رضایت آگاهانه از مشارکت‌کنندگان برای شرکت در پژوهش و ضبط محتوای مصاحبه، اطمینان به محرمانه باقی ماندن اطلاعات و استفاده از اسم مستعار برای آن‌ها و همچنین حق انصراف از پژوهش در تمامی مراحل تحقیق به مشارکت‌کنندگان بود.

روش اصلی تجزیه و تحلیل داده‌ها در پژوهش حاضر روش تحلیل مضمون بوده است. تحلیل مضمون علاوه بر کاربرد گسترده در دیگر روش‌های کیفی در پدیدارشناسی نیز کاربرد دارد که بر روی تجربه ذهنی انسان‌ها تأکید می‌کند. در این رویکرد تأکید بر ادراک شرکت‌کنندگان، احساسات و تجربیات آن‌ها از موضوع مورد مطالعه است. مراحل تحلیل مضمون شامل شش مرحله نزدیک شدن به داده‌ها، تولید کدهای اولیه، جستجوی مضمون‌ها، مرور و بازبینی مضمون‌ها، تعریف و نام‌گذاری مضمون‌ها و تهیه گزارش است. (گاست و مک کوئن^۱، ۲۰۱۲).

جهت اعتمادپذیری داده‌ها از چهار معیار جداگانه گوبا و لینکلن^۲ (۱۹۹۴)، به نقل از کرسل، (۲۰۱۳) استفاده شد. برای تضمین قابلیت اعتبار داده‌ها پس از تحلیل هر مصاحبه به مشارکت‌کننده بازگشت داده شد تا صحت و سقم نتایج تأیید شد و تغییرات لازم اعمال گردد. جهت تضمین قابلیت تصدیق داده‌ها محقق یک فرایند فعال در پیرانتزگذاری را اعمال کرد تا از ورود پیش‌فرض‌های محقق جلوگیری شود. جهت تضمین قابلیت اطمینان متن مصاحبه جهت کدگذاری به همکاران پژوهشگر داده شد و ضریب توافق بالای ۸۵ درصد در این زمینه به دست آمد. جهت افزایش قابلیت انتقال داده‌ها از حداکثر تنوع در ویژگی‌های جمعیتی مشارکت‌کنندگان همچون جنس (۱۲ مرد و ۸ زن)، سطح تحصیلات (راهنمایی تا لیسانس)، تعداد فرزندان (۱ تا ۳)، شغل (خانه دار تا بیکار و شاغل) و سن (۱۸ تا ۳۰) استفاده شد.

یافته‌ها

تحلیل تجارب مشارکت‌کنندگان منجر به شناسایی ۲۱۶ کد اولیه، ۱۲ مضمون فرعی و ۳ مضمون یا درون‌مایه اصلی شد که در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: نمونه تحلیل داده‌ها در زمینه پیامدهای طلاق

مضمون‌های اصلی	مضمون‌های فرعی	کدها	نقل قول
ادراک پیامدهای اجتماعی فرهنگی	انگ اجتماعی	بیوگی	دیگر نمی‌توانم برای خودم تصمیم بگیرم
اعمال کنترل	تجربه محدودیت	عدم استقلال	خونه پدر بیشتر محدود شدم.
	لفظ مطلقه		

¹. Guest & MacQueen

². Guba & Lincoln

سردی روابط اطرافیان مورد طمع واقع شدن دشواری ازدواج مجدد	قطع رابطه دوستان متأهل محدودیت رابطه به دوستان مطلقه مزاحمت‌های جنسیتی طمع جنسی شدن در جستجوی شغل محدودیت فرصت‌ها راحتی ازدواج مردان مطلقه ترس از تکرار تجربه گذشته داشتن فرزند سن بالا فرصت‌های نامناسب قرار گرفتن در جایگاه تقصیر نگاه ابزاری	همه‌جا می‌گن زن بیوه از این لفظ بیزارم با من سرسنگین شدند. بیشتر هم‌رنگ‌های خودت هستن. همه‌جا مزاحمت میشن اگر بدونن. اول این خواسته رو دارن می‌فهمن. فرصت مناسب کم است. اونا با هرکی بخوان میتونن. همش ترسم اون گذشته است. فرزندانم اولویت دارن. دیگه جوان نیستم. فرصت‌های نامناسب پیش میاد. همش می‌گن تقصیر تو بود. مانند یک جنس دست‌دوم هستی.
ادراک پیامدهای اقتصادی	نداشتن حمایت مالی مهریه حضانت فرزند مشکلات مالی	کسی نیست مالی حمایت بکند. مهریه سنگین پشتم شکست. فرزندانم هستند. بیشتر مشکلاتم مالی است
ادراک پیامدهای شخصی و هیجانی	احساسات بعد از طلاق خطرات سلامت روانی بعد از طلاق	تنهایی، شکست، تقصیر، تنفر، پشیمانی، قربانی بودگی، خشم، اقدامات رفتاری، اشتغال فکری افسردگی بدبینی و افکار منفی

پیامدهای اجتماعی و فرهنگی

تجربه زنان شرکت‌کننده در این پژوهش نشان می‌دهد که برای زنان بیشترین پیامدها در بعد اجتماعی و فرهنگی وجود داشته است. ابعاد اجتماعی طلاق که مشارکت کنندگان در این بررسی به آن اشاره کرده‌اند، شامل زیرمضمون‌های اعمال کنترل، انگ خوردن، ترحم اطرافیان و سردی روابط آنان، مورد طمع واقع شدن، نگاه ابزاری و دشواری امر ازدواج مجدد بوده که همگی خاص دوران بعد از طلاق می‌باشند. زنان بعد از طلاق نیز از برداشت منفی دیگران هراس داشته‌اند و دچار فویبای قضاوت منفی دیگران شده‌اند. مزاحمت‌های جنسی از جمله چالش‌های دیگری بود که زنان بعد از طلاق به کرات با آن مواجه شده بودند. گفته‌های زنان دال بر تصویری دوگانه در مورد ازدواج مجدد بوده است به نحوی که هم نسبت به آن برانگیخته شده و هم تحت تأثیر تجارب قبلی‌شان از آن هراس داشته‌اند. از جمله این موانع تحقق فرصت‌های کمتر زنان نسبت به مردان در امر ازدواج مجدد است. فقدان فرصت ازدواج بعد از طلاق از عامل سن مشارکت‌کنندگان نیز تأثیر پذیرفته است و با افزایش سن، «زنان بیوه و مطلقه» با احتمال کمتری ازدواج مجدد خواهند داشت. وجود فرزند نیز به عنوان عامل از دست رفتن فرصت ازدواج به آن اشاره شده است. زنان مشارکت‌کننده این پژوهش بیان داشته‌اند که نگاه اجتماعی و فرهنگی آنان را مقصر قلمداد کرده است، شاید سخت‌ترین بعد پیامدهای اجتماعی برای زنان مطلقه که به آن در این پژوهش اشاره کرده‌اند، نگاه ابزاری و شیء جامعه بدان‌ها است. در توصیف مشارکت‌کنندگان این نگاه زن مطلقه را به سطح یک شیء تهی می‌کند و آن‌ها را از وجود انسانی محروم می‌کند. به عنوان نمونه زهره در این مورد می‌گوید «همه جا میگویند فلانی مطلقه است انگار جنس دسته دوم هستیم خیلی اجتماع و فرهنگ نگاه منفی به این قضیه دارد». مردان شرکت‌کننده در بعد اجتماعی و فرهنگی طلاق را برای خود منفی ارزیابی کرده‌اند اما شدت تجربه زنان را از این پیامدها نداشته‌اند به عنوان نمونه فرصت ازدواج مجدد را همانند زنان برای خود دشوار ارزیابی نکرده‌اند. به عنوان نمونه امید در این مورد می‌گوید «طلاق که چیز خوبی نیست برای ما مردها هم بد است اما زنان بیشتر ضربه می‌خورند بالاخره الان من دوباره می‌تونم به راحتی ازدواج مجدد کنم».

پیامدهای اقتصادی و مالی

زنان در این پژوهش ابراز کرده‌اند که بیشتر در معرض مشکلات و آسیب‌های اقتصادی قرار گرفته‌اند این مسئله برای زنان کم‌سواد و خانه‌دار نیز به صورت حادث‌تری جلوه کرده است، بعد از طلاق و بالأخص زمانی که حضانت فرزند نیز بر عهده آنان بوده است، دشواری مسائل اقتصادی برای زنان مطلقه دوچندان گردیده است. در بستر اقتصادی مردان نیز همانند زنان نگرانی‌هایی داشته‌اند و از پیامدهای اقتصادی طلاق می‌ترسند و این مشکلات را ادراک کرده‌اند؛ بنابراین از لحاظ ادراک مشکلات مالی بعد از طلاق هر دو جنس سختی‌های در این زمینه ادراک کرده‌اند.

پیامدهای شخصی و هیجانی

پیامدهای شخصی بعد از طلاق برای زنان شامل احساسات منفی بعد از طلاق و مشکلات روانی بعد از طلاق بوده است. اکثر آن‌ها در روند طلاق قادر به بازسازی خود نبوده و اعتمادبه‌نفس خود را از دست داده و بر بی‌باوری‌شان نسبت به خود افزوده و به برداشتی منفی از خود دست‌یافته‌اند که منجر به پیدایی مجموعه‌ای از احساسات متعدد نظیر احساس تنهایی، حقارت، شکست، قربانی‌بودگی، تقصیر، تنفر و پشیمانی در آن‌ها گردیده است، تجربه تنهایی برای زنانی که دوران زناشویی طولانی‌تر داشته‌اند بیشتر احساس شده بود، زنان مطلقه در ارزیابی گذشته احساس شکست را تجربه کرده‌اند، تجربه طلاق برای مشارکت‌کنندگانی که در این پژوهش متقاضی طلاق نبوده‌اند به نسبت مشارکت‌کنندگانی که متقاضی طلاق بوده‌اند دشوارتر بوده است و آن‌ها احساس قربانی‌بودگی بیشتر کرده‌اند، در این بررسی تعدادی از شرکت‌کنندگان اظهار کرده‌اند که از خودشان تنفر دارند و چنین احساسی نیز معمولاً زمانی ظهور می‌کند که افراد خود را در امر طلاق مقصر بدانند، چنان‌چه بعد از طلاق، دستاوردها و منافع را که فرد به دست آورده بیش از هزینه‌هایی بوده باشد که فرد در این فرایند از دست داده است، فرد از تصمیم خود رضایت خواهد داشت؛ اما زنان در این بررسی در غالب موارد بدون در نظر گرفتن چنین محاسباتی و بدون توجه به واقعیات طلاق اقدام به عمل و یا پذیرش آن کرده‌اند، پس باگذشت مدت کوتاهی و در مقایسه وضعیت جدید خود با گذشته اظهار پشیمانی کرده‌اند. افسردگی شایع‌ترین مشکل روانی در میان زنان مشارکت‌کننده این پژوهش بوده است. مشارکت‌کنندگان زن این پژوهش در یک دوره بعد از طلاق علائم افسردگی مانند بدبینی، ناامیدی، افکار منفی در مورد خود، کسلی و بی‌حالی و بسیاری دیگر از نشانگان جسمانی را

The Consequences of Divorce for the Divorced Person: A Qualitative Study

نشان داده‌اند، دیگر مشکلات روانی مانند اضطراب و نگرانی مزمن در مورد آینده، ناامیدی، بدبینی، خشم معطوف به خود برای زنان مطلقه مشارکت‌کننده این پژوهش پیش‌آمده بود. همه زنان مشارکت‌کننده این پژوهش بعد از یک دوره کوتاه ناشی از احساس رضایت از جدایی نشانه‌های به خطر افتادن سلامت روانی را تجربه کرده‌اند. نمونه‌هایی از نقل‌قول‌های شرکت‌کنندگان زن در این پژوهش که این پیامدها را تجربه کرده‌اند به شکل ذیل است: ژاله از تغییر وضعیت کنونی خود در خانواده نسبت به قبل چنین می‌گوید: «این دوره هم محدودیت‌هایی را دارد. من قبلاً خودم که همیشه بیرون بودم و خودم خرید خانه را انجام می‌دادم. به کارهای پسرم رسیدگی می‌کردم؛ اما الان اصلاً نمی‌توانم و این وضعیت برایم دشوار است». زهره زندگی زناشویی را با همه مسائلی که با آن درگیر بوده ترجیح می‌دهد و درباره ترجیح آن موقعیت چنین می‌گوید: «وقتی که انسان ازدواج می‌کند خودش رئیس خانه است؛ اما در خانه پدرت این‌گونه نیست. وقتی به‌عنوان مطلقه به آن خانه برمی‌گردی اعضای خانواده همیشه می‌خواهند مواظبت باشند». «زهره» که در مدت این ۷ ماهه به مقدار زیادی خود را محدود کرده است هراس خود را از قضاوت منفی دیگران چنین بازگو می‌کند: «بازار بروم می‌گویند که بیوه است احساس می‌کنم که چنین چیزهایی را خطاب به من خواهند گفت. فکرمی‌کنم اگر ۲ بار جلوپنجره اتاقم هم بروم می‌گویند که بیوه است و خسته و تشنه ازدواج است. جامعه ما این‌گونه است». نگار راجع به تغییر روابط و سردی روابط دوستانی که به قول خودش هنوز ازدواج نکرده‌اند چنین می‌گوید: «با یکی از دوستانم هر موقع که تماس می‌گیرم مادرش می‌گوید که خانه نیست. با آن ۲ دوستم هم که تماس می‌گیرم به‌اندازه‌ای سرد جوابم را می‌دهند حتی دوست ندارم که تماس بگیرم».

تجربه مردان شرکت‌کننده در این پژوهش نشان داد که در بحث پیامدهای طلاق نیز تفاوت‌های جنسیتی وجود دارد. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌هایی که این تفاوت‌ها را در مشارکت‌کنندگان این پژوهش به وجود آورده بود این عامل بود که زنان بیشتر مشکلات و ناراحتی‌هایشان را بروز داده‌اند اما مردان در این امر خودداری کرده‌اند و به خاطر تربیت مردانه به‌راحتی از مسائل و مشکلات خود حرف نمی‌زنند به همین دلیل پیامدهای طلاق برای زنان مشارکت‌کننده این پژوهش مشخص‌تر و آشکارتر از مردان بوده است و شناخت پیامدهای طلاق مردان مشکل‌تر بوده است اما در بعضی جهات شدت پیامدهای طلاق برای مردان سخت‌تر بوده.

از تجربیات مردان شرکت‌کننده در تحقیق می‌توان فهمید که پیامدهای هیجانی طلاق برای مردان گاهی به شدت زنان، تجربه شده است. برخلاف بستر اجتماعی و فرهنگی در بستر شخصی مانند ناراحتی‌های روحی و روانی بعد از طلاق همانند افسردگی و تجربه هیجانات منفی مانند بدبینی و تفکرات منفی، مردان مشارکت‌کننده این پژوهش تجربه‌ای همانند داشته‌اند. مردان بعد از طلاق نسبت به زنان بدبین شده‌اند و همین بدبینی موجب مشکلات هیجانی برای آن‌ها شده است. واکنش‌های هیجانی مردان نسبت به زنان به طلاق شدیدتر بوده است. مردان عصبانیت و خشم زیادی را تجربه کرده بودند. آن مردانی نیز که خود متقاضی طلاق نبوده‌اند احساس طردشدگی کرده‌اند. مردان بیشتر از زنان در این پژوهش به اقدامات رفتاری شدیدتر دست‌زده‌اند، این اقدامات رفتاری ممکن است شامل پناه بردن به اعتیاد، افسردگی، خشونت و سایر اقدامات رفتاری دیگر بوده است یکی از این پیامدهای هیجانی برای مردان اشتغال فکری بعد از طلاق است. مردان نیز همانند زنان به افکار زندگی گذشته، فکر کردن به تقصیرات و گناه‌های خود، احساس پشیمانی و... پرداخته‌اند؛ اما زنان چون مشکلاتشان را بیشتر بیان کرده‌اند این اشتغال فکری برای مردان آسیب‌زننده‌تر بوده است. نمونه‌های اظهارنظر مشارکت‌کنندگان مرد این پژوهش بدین‌صورت بوده است: «افشین» که با وجود سه بچه می‌خواهد طلاق بگیرد. ناراحتی‌های خود را این‌گونه ابراز می‌کند. «احساس شکست می‌کنم. نمی‌دانم آیا می‌توانم کسی دیگه را دوست داشته باشم. مثل یک بمب در حال منفجر شدن هستم.» «امید» که به‌سختی در مورد مشکلاتش حرف می‌زند. می‌گوید: «خیلی عصبانی هستم. دارم آتش می‌گیرم. همش به خودم میگم چرا این ازدواج را کردم؟ ذهنم همیشه مشغول است. زخم مرا رها کرد، من پول نداشتم مطمئن بودم اگر پول داشتم مرا ول نمی‌کرد.» «احمد» بعد از ۲۲ سال زندگی مشترک می‌گوید: «شاید از دست یک زندگی بد راحت شدم اما ساختن یک زندگی دیگه سخت است، برام اعتماد کردن به زنان سخت است.»

بحث

پژوهش حاضر در مورد پیامدهای منفی طلاق برای زنان، مردان و کودکان با پژوهش‌های گذشته همسو است. پژوهش حاضر با تحقیق اخوان تفتی (۱۳۸۲) و کلاتری و همکاران (۱۳۹۰) (ب) در مورد اینکه پیامدهای اجتماعی نگرانی‌های اقتصادی برای زنان بیشتر از مردان است همسو است اما با تحقیق مک نایت (۲۰۰۸) در مورد اینکه مشکلات عاطفی برای زنان بیشتر از

مردان است مغایر است در پژوهش حاضر پیامدهای اجتماعی و فرهنگی برای زنان اما برای مردان پیامدهای هیجانی و عاطفی بیشتر تجربه شده است؛ اما تحقیق کیفی حاضر که با رویکرد پدیدارشناسی در زمینه پیامدهای طلاق به نتایجی متفاوت تر در مقایسه با تحقیقات گذشته دست یافته است. برای نمونه می توان به موارد زیر اشاره کرد، تجربه پیامدهای طلاق نیز متأثر از بافت فرهنگی و اجتماعی است و به صورت یک فرایند تجربه می شود، پیامدها برای زنان بیشتر بیرونی و برای مردان درونی تجربه می شود، احساس شیء شدگی زنان در تجربه پیامدهای طلاق یک مضمون جدید است که در این پژوهش کشف شده است. ابعاد اجتماعی طلاق در ۹ تم اصلی برای زنان بوده است که با تحقیق کیفی اخیر به آن رسیده شده است اما در تحقیقات کمی بیشتر گستردگی پیامدها تا عمق پیامدها مطرح است. مردان به اقدامات رفتاری بیشتر بعد از طلاق دست می زنند و آن ها نیز پیامدهای هیجانی شدید را تجربه می کنند همانند اشتغالات فکری منفی بعد از طلاق، کشف تعارض شدید منفی-منفی زوجین با حضور کودکان در اقدام به طلاق و نقش حضور کودکان در پدیده طلاق. تحقیقات کیفی گذشته (زارعی وهمکاران، ۱۳۹۲؛ محمدپور، ۱۳۹۳؛ حسنی وهمکاران، ۱۳۹۳؛ فسایی و ایثاری، ۱۳۹۱؛ الحسینی، ۱۳۹۰؛ عنایت زاده، ۱۳۸۸؛ آبد، ۲۰۱۵؛ گومز-دیز، ۲۰۱۱؛ و شارما، ۲۰۱۱) نیز در داخل و خارج کشور به اهمیت ابعاد جنسیتی و فرهنگی و اجتماعی پرداخته اند. به عنوان نمونه پژوهش های قبلی شارما (۲۰۱۱) نشان داد که زنان متکی به دوستان و خانواده هستند که با استرس روان شناختی و نگرانی های مالی طلاق سازگار شوند و آبد (۲۰۱۵) در یک مطالعه کیفی بر روی زنان اتیوپیایی به اهمیت ابعاد جنسیت و فرهنگی و اجتماعی بر تجربه طلاق پی برده اند. پژوهش های کیفی گذشته بیشتر به سختی تجربه طلاق در زنان پرداخته اند (عنایت زاده، ۱۳۸۸). به عنوان نمونه فسایی و ایثاری (۱۳۹۱) در پژوهشی کیفی با عنوان تحلیل جنسیتی زندگی پس از طلاق به این نتیجه رسیده اند که زنان در مقایسه با مردان پیامدهای متفاوتی را تجربه می کنند و در مجموع با چالش های مضاعفی در زندگی خود پس از طلاق روبرو هستند که به دلیل فرهنگ جنسیتی و نقش های جنسیتی است. زارعی وهمکاران (۱۳۹۲) نیز به این نتیجه رسیده اند که زنان مطلقه در جامعه با چالش هایی مواجه می شوند. پژوهش حاضر نیز در مقایسه با پژوهش های کیفی داخلی گذشته در تجربه پیامدهای جنسیتی طلاق برای زنان در بافت اجتماعی و فرهنگی همسو است که به دلیل بافت فرهنگی و اجتماعی این پژوهش ها با پژوهش حاضر است، تحقیقات کمی

صورت گرفته داخلی (کلانتری و همکاران، ۱۳۹۰؛ اخوان تفتی، ۱۳۸۲؛ سیف، ۱۳۸۳؛ حفاریان و همکاران، ۱۳۸۸) نیز در مورد شدت پیامدهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی برای زنان با تحقیق حاضر همسو است اما این پژوهش‌ها به تجربه مردان در بعد هیجانی و شخصی اشاره نکرده‌اند، درحالی‌که بررسی‌های آماتو (۲۰۱۴) در مورد پیامدهای طلاق در آمریکا و کشورهای اروپایی بیشتر متمرکز بر سلامت روانی بعد از طلاق بوده است و کمتر به پیامدهای بافت فرهنگی و اجتماعی اشاره کرده است. نتایج تحقیق حاضر با پیامدهای هیجانی و اقدامات رفتاری بعد از طلاق در مردان (فلیکس، رابینسون و کیمبرلی^۱، ۲۰۱۳) و در مورد پنهان کردن اظهارات شفاهی و احساسات و علامت‌های جسمانی در مردان پس از طلاق و با و با پژوهش کولبرن (۱۹۹۲؛ به نقل از اوآنس^۲، ۲۰۰۰) در مورد پنهان کردن آسیب‌پذیری در مردان همخوان است.

نتیجه گیری

پیامدهای طلاق شامل ۱۲ زیر مضمون بوده است که در سه مضمون اصلی ۱- پیامدهای اجتماعی، فرهنگی ۲- پیامدهای اقتصادی و مالی ۳- پیامدهای شخصی و هیجانی طبقه‌بندی شده است. مردان و زنان مشارکت‌کننده این پژوهش در هر سه بعد پیامدهای طلاق را تجربه کرده‌اند اما در نحوه تجربه آن‌ها تفاوت‌های مشهودی وجود داشت. در مصاحبه‌ها مردان و زنان بر پیامدهای متفاوت جنسیتی (مخصوصاً زنان) در تجارب خود تأکید کرده‌اند بر همین مبنا در پیامدهای طلاق تجربه مردان و زنان مشارکت‌کننده این پژوهش از هم تفکیک شده است. بیشترین پیامدها برای زنان در بعد اجتماعی و فرهنگی بوده است که شامل ۹ زیر مضمون اعمال کنترل، انگ اجتماعی، سردی روابط اطرافیان، مورد طمع واقع‌شدن، دشواری ازدواج مجدد، هراس از ازدواج، فقدان فرصت ازدواج مجدد، زن در جایگاه اتهام و شیء شدگی (نگاه ابزاری به زنان مطلقه) بوده است. در بعد اقتصادی مضمون مشکلات مالی برای هر دو جنس وجود دارد و از عوامل مهم تعیین‌کننده سازگاری پس از طلاق آن‌ها نیز بوده است. در پیامدهای شخصی طلاق سه مضمون اصلی احساسات بعد از طلاق و خطرات سلامت روانی بعد از طلاق و حضور کودکان ظاهر شد که مضمون احساسات بعد از طلاق شامل احساساتی مانند احساس تنهایی، شکست، قربانی بودگی، تنفر و پشیمانی بوده است و حضور کودکان نقش‌های متفاوتی برای

¹. Felix, Robinson and Kimberly

². Evans

The Consequences of Divorce for the Divorced Person: A Qualitative Study

مشارکت‌کنندگان مانند بهبود زندگی زناشویی، ناتوانی در رها کردن زندگی مشترک، تعارض در اقدام به طلاق، از دست رفتن فرصت ازدواج مجدد داشته است.

شرکت‌کنندگان پژوهش حاضر از محیط جغرافیایی خاصی انتخاب شدند. از این نظر، ممکن است نتایج این پژوهش از لحاظ تعمیم‌پذیری به محیط‌ها و نمونه‌های دیگر دارای محدودیت باشد. پیشنهاد می‌شود این پژوهش در بافت‌ها و فرهنگ‌های دیگر کشورمان و با نمونه‌های دیگر تکرار شود. این مطالعه دستاوردهای مهمی برای متخصصان حوزه طلاق، خانواده و افراد مطلقه دارد. ضرورت دارد مشاوران و روان‌شناسان بصیر حوزه خانواده و ازدواج با توجه به پیامدهای طلاق به مداخله در آسیب طلاق بپردازند و در این زمینه به آگاه‌سازی افراد بپردازند همچنین به تفاوت‌های جنسیتی در پیامدهای طلاق توجه و طلاق را در بستر فرهنگی و اجتماعی زندگی فرد مطلقه نگاه کنند و از زاویه چندبعدی و سیستمی پدیده طلاق را مطالعه کنند. یافته‌های این پژوهش همچنین آگاهی‌دهنده به زوجینی خواهد بود که در معرض ناسازگاری‌های زناشویی و طلاق هستند. تمرکز پژوهش‌های آینده باید به سمت بررسی بیشتر تفاوت تجربه مردان و زنان و مطالعه عمیق هر یک از پیامدهای طلاق به صورت جداگانه باشد.

منابع

- اخوان تقی، م. (۱۳۸۲). پیامدهای طلاق در گذار از مراحل آن. *فصلنامه مطالعات زنان*، ۳(۱)، ۱۳۴-۱۳۳.
- الحسینی، ف. (۱۳۹۰). گونه‌شناسی نگرش زنان مطلقه نسبت به طلاق (مطالعه موردی شهر اراک). پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
- حسینی، ر. قدرتی، ح. امیدپور، م. (۱۳۹۳). پیامدهای طلاق برای زنان مطلقه شهر مشهد (پژوهش کیفی). *مطالعات علوم اجتماعی*، ۱۱(۴۲)، ۴۹-۳۳.
- حفاریان، ل، آقایی، اصغر. کجیاف، م؛ و کامکار، م. (۱۳۸۸). مقایسه کیفیت زندگی و ابعاد آن در زنان مطلقه و غیرمطلقه و رابطه آن با ویژگی‌های جمعیت‌شناختی در شهر شیراز. *پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، ۴۱(۴)، ۸۶-۴۶.
- زارعی، ف. مرقانی خویی، ع. تقدیسی، م؛ و مصلحی، م. (۱۳۹۲). طلاق از دید زن مطلقه: یک پژوهش کیفی. *مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت*، ۲(۳)، ۲۴۷-۲۳۴.
- سیف، س. (۱۳۸۳). بررسی مقایسه‌ای میزان پیامدهای طلاق در زنان مردان مطلقه ی آمریکایی و ایرانی. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۱(۱)، ۱۰۴-۸۲.
- عنایت زاده، ل. (۱۳۸۸). *مطالعه تحریه زنان از طلاق در شهرستان سقز: یک مطالعه پدیدارشناسی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران.

- فسایی، س؛ و ایثاری، م. (۱۳۹۱). تحلیل جنسیتی از زندگی پس از طلاق: مطالعه کیفی. زن در توسعه و سیاست، ۳۰(۳)، ۵-۳۰.
- کلانتری، ع. روشن فکر، پ؛ و جواهری، ج. (۱۳۹۰ الف). آثار و پیامدهای طلاق، مرور نظام مند تحقیقات انجام شده در ایران با تاکید بر ملاحظات جنسیتی. زن در توسعه و سیاست، ۲۹(۳)، ۱۱۱-۱۳۱.
- کلانتری، ع. روشن فکر، پ. و جواهری، ج. (۱۳۹۰ ب). مرور سه دهه تحقیقات علل طلاق در ایران. فصلنامه شورای فرهنگی واجتماعی خانواده، ۵۳(۱۴)، ۱۶۲-۱۳۰.
- محمدپور، ا. (۱۳۹۳). بسترها، پیامدها و سازگاری زنان مطلقه ی شهر تهران یک مطالعه پدیدارشناسانه. فصلنامه مشاوره و روان درمانی خانواده، ۴(۱)، ۱۷۲-۱۳۶.

- Abebe, Y. M. (2015). Lived Experiences of Divorced Women in Rural Ethiopia. A Special Focus in Hulet Ejjū Enessie Woreda: Addis Zemen Kebele. *International Journal of Political Science and Development*, 3(6), 268-281.
- Amato, P. R. (2014). The consequences of divorce for adults and children: An update. *Društvena istraživanja: časopis za opća društvena pitanja*, 23(1), 5-24.
- Creswell, J. W. (2013). *Research design: Qualitative, quantitative, and mixed methods approaches*. Thousand Oaks, CA: SAGE Publications, Inc.
- Evans, W. (2001). Men's experience of divorce: A qualitative study. Submitted to The Union Institute Graduate School Cincinnati, Ohio, Vol 1.
- Felix, D. S., Robinson, W. D., & Jarzynka, K. J. (2013). The influence of divorce on men's health. *Journal of Men's Health*, 10(1), 3-7.
- Gómez-Díaz, J. A. (2011). Fenomenología del divorcio (o la ensecia de la separación) en mujeres. *Psicologia & Sociedad*, 23(2), 391-397.
- MacQueen, K., & Namey, E. (2012). *Introduction to Thematic Analysis*. Applied thematic analysis: London: SAGE Publications, Inc.
- McKnight, B. A. (2009). *An Exploratory Study of the Experience of Individuals Cohabiting Through the Process of Divorce*. Alliant International University, California School of Professional Psychology, San Diego.
- Moore, V. L., & Schwebel, A. I. (1993). Factors contributing to divorce: A study of race differences. *Journal of Divorce & Remarriage*, 20(1-2), 123-135.
- Sharma, B. (2011). Mental and emotional impact of divorce on women. *Journal of the Indian Academy of Applied Psychology*, 37(1), 125-131).
- Van Manen, M. (2016). *Researching lived experience: Human science for an action sensitive pedagogy*: Routledge.

